

[مقدمه واجب 1](#_Toc26349911)

[دوران رجوع قید به ماده یا هیئت 1](#_Toc26349912)

[مقتضای اصل لفظی و عملی 1](#_Toc26349913)

[عدم تنافی انعقاد ظهور و رفع ید از انعقاد ظهور 1](#_Toc26349914)

[مقتضای اصل عملی در دوران رجوع قید به ماده یا هیئت 2](#_Toc26349915)

[مقام دوم نزاع دوران رجوع قید به ماده یا هیئت 3](#_Toc26349916)

**موضوع**: مقتضای اصل لفظی و عملی /دوران رجوع قید به ماده یا هیئت /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد دوران رجوع قید به ماده یا هیئت است. این بحث در دو مقام مطرح شده است. مقتضای اصل لفظی و مقتضای اصل عملی. این بحث یک مرحله دیگری دارد که عبارت است از: اگر قید به ماده رجوع کرد، آیا علی سبیل الاتفاق اخذ شده است یا به نحو مطلق اخذ شده است. در این جلسه به بررسی این مطالب می­پردازد.

# مقدمه واجب

## دوران رجوع قید به ماده یا هیئت

### مقتضای اصل لفظی و عملی

#### عدم تنافی انعقاد ظهور و رفع ید از انعقاد اطلاق

گفته شد که بحث در مورد قید منفصل است و ظهور اطلاقی برای هیئت و ماده منعقد شده است. ( این بحث بر مبنای مرحووپم آخوند است که قائل است که به صرف عدم بیان در مقام تخاطب، اطلاق منعقد می­شود) شک داریم که قید منفصل به اطلاق ماده تعلق دارد و یا به اطلاق هیئت تعلق دارد. ما گفتیم قید به اطلاق ماده تعلق دارد و تعلق قید به اطلاق هیئت مشکوک است و شک بدوی است و بنا بر بقاء اطلاق هیئت گذاشته می­شود.

چگونه می­شود که از یک طرف اطلاق ها منعقد است و از طرفی یک اطلاق یکی ساقط است و اطلاق یکی باقی است؟

این که ما گفتیم تمسک به اطلاق هیئت می­کنیم، مراد تمسک به حجیت اطلاق است. هر چند که هم ماده و هم هیئت اطلاق دارند و ظهور استعمالی در مطلق دارند، اما سقوط حجیت این اطلاق در ناحیه ماده ثابت است قطعا و در هیئت مشکوک السقوط است. در چنین مواردی گفته می­شود: حجیت اطلاق در ناحیه ماده منتفی است و در ناحیه هیئت شک داریم و بنا بر بقاء حجیت اطلاق هیئت گذاشته می­شود.

این بحث را بر مبنای شیخ هم می­توان مطرح کرد. ایشان می­فرمود: یکی از مقدمات حکمت عدم البیان الی الابد است. از وجود قید کشف می­شود که از اول اطلاق منعقد نشده است و ظهور خیالی بوده است. (هر چند که ظهور خیالی حجیت واقعی دارد). بیان نزاع بنا بر مبنای مرحوم شیخ این گونه است: برای کلام مولا به خیال ما دو ظهور اطلاقی منعقد شده است. بعد که قید آمده است، یقینا ظهور اطلاقی ماده خیالی بوده است و قطعا از ناحیه ظهور اطلاق ماده مولا در مقام بیان نبوده است و ظهور خیالی بوده است. نسبت به هیئت هنوز شک داریم که مولا در مقام بیان بوده است یا نه، اصل در مقام بیان بودن است و مولا در ناحیه هیئت در مقام بیان بوده است.

#### مقتضای اصل عملی در دوران رجوع قید به ماده یا هیئت

اگر گفتیم که تردید بین رجوع قید به هیئت یا ماده باقی است. مانند مرحوم آخوند که فرمود مرجحی برای تقدیم تقیید ماده پیدا نکردیم. یا اگر مرجح درست کردیم در منفصل است ولی در متصل مرجح وجود ندارد. هر کجا اطلاق هیئت بر اطلاق ماده مقدم نشد، نوبت به اصل عملی می­رسد. دوران امر است بین این که وجوب تقیید زده شده است یا واجب تقیید زده شده است. در وجوب که معنا ندارد اصل عدم وجوب جاری بشود. زیرا برائت از تقید معنا ندارد و تقید وجوب به قید مقتضای امتنان است و جای برائت نیست. هر چند که برائت از تقید واجب به آن قید محل امتنان هست اگر واجب را مقید به قیدش کند لازمه اش این است که آن قید واجب التحصیل باشد. اگر در شرطیت چیزی به واجب شک شود مجرای برائت است در حقیقت اقل و اکثر ارتباطی است و نسبت به اکثر برائت جاری می­شود، اما برای برائت از تقید واجب به قید در این جا مجالی ندارد. برائت ازتقید معنا ندارد. زیرا اگر هنوز قید حاصل نشده است که اصل وجوب مشکوک است و شک در اصل وجوب داریم این که در تقید به قید برائت جاری می­کنند بعد از فراغ از وجوب است. مثلا وجوب نماز آمده است و شک می­کنیم این قید در نماز هست یا نه؟ اما در این جا اصل وجوب مشکوک است. اگر قید حاصل شده است برائت اثر ندارد. اثر برائت از تقید این است که لازم نیست قید را تحصیل کنیم در حالی که قید حاصل است. پس مجالی برای اجرای برائت از تقید ماده از قید نیست. پس نه نسبت به هیئت جاری شد و نه نسبت به ماده جاری شود. اگر قید، قید وجوب باشد وجوب الان نیست و اگر قید، قید واجب باشد، وجوب هست. در جایی برائت اثر دارد که شک در اصل ثبوت تکلیف قبل از حصول قید داریم و برائت جاری می­شود. برائت از وجوب هیچ معارضی در مقام ندارد. اگر هم گفته شود( ما که قبول نکردیم) که برائت از تقید واجب به آن قید جاری می­شود با این برائت مذکور معارض نیست. زیرا نه علم به مخالفت با واقع داریم و نه علم به مخالفت احدهما است.زیرا ممکن است هر دو برائت صحیح باشند و قید برای هیئت باشد و ماده هم واجب نیست.

علاوه بر این، ملاک در تعارض اصول عملیه اذن در مخالفت عملیه است. شاید واقعا قید هیئت باشد و قید واجب نباشد و تبعا ماده هم وجوب ندارد.

### مقام دوم نزاع دوران رجوع قید به ماده یا هیئت

مقام دوم از بحث رجوع قید به ماده یا هیئت این است که قید معلوم است به ماده تعلق دارد ولی دوران امر است بین این که علی نحو الاطلاق است یا علی سبیل الاتفاق است. مثلا نماز با طهارت واجب است یا نماز با طهارتی که علی سبیل الاتفاق است واجب است.

یک بحثی وجود دارد که آیا امکان دارد شارع قیود را علی سبیل الاتفاق اخذ کند یا نه؟ مرحوم آخوند و مرحوم شیخ قائل به امکان آن هستند ولی مرحوم شهید صدر فرموده است: اگر اختیاری است باید واجب التحصیل باشد. ما فرض کردیم که این نحوه خطاب ممکن است و بحث را بر این مبنا بررسی می­کنیم.

ممکن است گفته شود اصل لفظی در این جا وجود ندارد. در بحث قبل اطلاق ماده قطعی السقوط بود اما در این جا وجهی ندارد که ما بگوییم واجب مقید به واجب التحصیل است و یا واجب التحصیل نیست زیرا هر دو تقیید هستند و هیچ کدام قدر متیقن نیستند. پس هیچ کدام ترجیحی ندارند و باید به اصل عملی رجوع شود. اما طبق بیانی که از مرحوم نائینی نقل کردیم ممکن است این گونه گفته شود که قید علی سبیل الاتفاق مؤونه زائده می­خواهد اصل در قید این است که واجب التحصیل باشد و علی سبیل الاتفاق بیان زائد می­خواهد لذا در این جا مقتضای عدم البیان علی سبیل الاتفاق این است که قید به ذات ماده تعلق دارد. اساسا ریشه اصول لفظیه به غلبه رجوع می­کند. غالب قیودی که برای ماده اتفاق افتاده است قید ماده لا علی سبیل الاتفاق است. (اگر نگوییم همیشه این گونه است) اگر مولا قیدی را آورد و نگفت ان اتفق بنفسه واجب التحصیل است. یعنی قید ما قید( علی سبیل الاتفاق) ندارد. مقتضای عدم ذکر این قید این است که ذات قید مراد است نه این که علی سبیل الاتفاق باشد. به عبارت دیگر علی سبیل الاتفاق قیدی است که خودش قید دارد اما قید مطلق که قید ندارد. در فقه هم روش این گونه است که اگر قیدی در ماده مطرح می­شود واجب التحصیل می­دانند

اگر ترجیحی وجود نداشت نوبت به اصل عملی می­رسد. یک وجوبی آمده است و شک داریم که بر مقید به این قید ..... برائت بر مقید به قید اتفاق جاری نمی­شود چون مخالف امتنان است. در این جا وجوب آمده است و مشکل از جانب ماده است. اگر واجب مقید به قید مطلق باشد کلفت دارد و برائت جاری می­شود. برائت از تقید این عمل به قید علی نحو الاطلاق جاری می­شود.